



۱۲۹

سوسیالیسم امروز

۱ مرداد ۱۳۹۹ - ۲۲ جولای ۲۰۲۰

S_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام زیجی

www.simroz.org

iransocialist2017@gmail.com

سرنگونی که به پیروزی جنبش آزادیخواهی، کارگری و سوسیالیسم منجر نگردد، به درد ما نمی خورد!

(متن تلخیص شده سخنان سلام زیجی در دو گفتگوی زنده در شبکه های فیسبوک و تلگرام "جنبش عدالت خواهی ایران")

صفحه ۳

صف طبقاتی کارگران و جنبش اعتراضی آزادیخواهی و برابری طلبی و سوسیالیسم، با صف اعتراضی و مطالباتی جنبشهای بورژوازی نباید در یک صف قرار بگیرند!

۳۵ روز از دور جدید اعتصاب کارگران هفت تپه گذشت اتحاد، همبستگی و تشکل مستقل طبقاتی کماکان رمز پیروزی است

صفحه ۱۳

جمهوری اسلامی باید برود!، و اعتراضاتی که در جامعه بار دیگر علیه جمهوری اسلامی سر بلند کرده است و برای آزادی و برابری و برای رفاه و سعادت جامعه و دستیابی به یک نظام بدون استبداد دینی و شونیستی و ملی گرایانه و یک نظام بدون نیروی سرکوب و حرفه ای، یک جامعه بدون اعدام و وجود زندانی سیاسی، و یک جامعه ای که از راه شورائی و سوسیالیستی منافع اکثریت سرکوب شده دست دو نظام جنایتکار شاهنشاهی و اسلامی را در چشم انداز و مطالباتش نقش بسته است، بدون هیچ تردیدی باید تقویت کرد، و برای به پیروزی رساندنش جانانه تلاش نمود.

از اینرو هر اعتراضی که در آن دوباره رنگ اسلامی یا نوع آریامهری و مزخرفاتی مانند "رضاه شاه روح شاه" و هر شعار و اعتراضی که با شعار و مطالبه شونیستی، ملی و قومی گری به میدان بیاید، نه تنها قابل هیچ سطحی از حمایت نیستند که درست مانند جمهوری اسلامی برای ترد و کنار زدنشان از سر راه زندگی ویران شده

صفحه ۲

در صفحات دیگر:

-تصاویری از اعتراض و اعتصاب کارگران هفت تپه

-تفاوتهای راه حلهای سوسیالیستی و بورژوائی از نگاه فعالین این دو جنبش متضاد

-فراخوان علیه پدیده شنیع اعدام

-لینک گفتگو با دو نفر از اعضای شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی در باره بیکاری، اعتصاب کارگران هفت تپه، بازنشستگان، اعتراضات اخیر و هیاهوی قراردادهای جمهوری اسلامی با چین و روسیه

کارگران جهان متحد شوید!



صف طبقه کارگران و ...

طبقه کارگر و جامعه ایران باید علیه شان متحد شد و از میدان بدرشان کرد! این وظیفه مبرم و اولیه طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی، جنبش آزادیخواهی فرهنگیان و بازنشستگان و دانشجویان و دانش آموزان، و وظیفه جنبش آزادی زن و همه تلاشگران راه آزادی و برابری در جامعه ایران است. هر اپوزسیون راست یا "چپ"ی که در پوشش فریبنده "جنبش سرنگونی" و یا "همه با هم" در مقابل حقایق فوق ساکت یا همسو با "مردم" است و موج سواری میکنند، یک اپوزسیون مرتجع و فاسد "پوپولیستی" است که میخواهند همان سرنوشت که در سال ۵۷ علیه طبقه کارگر و صف آزادیخواهان ضد نظام پادشاهی آورده شد، به جای آزادی و رهایی و خوشبختی، خمینی جلا و جمهوری اسلامی کثیف و جنایتکار را سر کار آورند، دو باره و در دوره جدید و پوشش دیگری همان جنایت را تکرار کنند و پوزه جامعه و صف کارگران و انقلابیون را به زمین بمالند، و از نو به یک نظام جانی دیگر سرمایه داری تن در بدهیم.

حزب سوسیالیست انقلابی از طبقه کارگر ایران، از صف جنبش آزادیخواهی، و از هر کسی که به هدف کسب آزادی، برابری، رفاه، امنیت و استقرار یک نظام شورائی و سوسیالیستی در صدد آمادسازی برای به گور سپردن رژیم سیاه جمهوری اسلامی هستند، اکیدا میخواهد که از همین امروز، و قبل از اینکه دیر شود، صف خود را آشکارا نه تنها از صف جنایتکاران وابسته به جمهوری اسلامی، که همزمان از هر صف و اعتراض و جریاناتی که با شعار های ارتجاعی ملی و مذهبی و یا در آرزوی باز شکست "شاه" و زندگی رعیتی برای شهروندان به میدان می آیند، جدا کند.

صف ما باید برود از کارگران هفت تپه، از اعتراضات بر حق کارگران در سراسر کشور، از آزادی و برابری و حقوق برابر شهروندی در همه سطوح، و از مطالبات سیاسی و اقتصادی گرسنگان، و از کارکنان و بازنشستگان و پرستاران و مردمی که آرزوی آزادی و برابری و رفاه را دارند، و در یک کلام از جنبشی باید حمایت کرد و پرچمدارش بود که بر دریائی از نفرت و خشم تلنبار شده و بر حق علیه جمهوری اسلامی و کلیت نظام سرمایه داری استوار است. صف ما صفی است که میخواهد برای همیشه ستم و زور و حاکمیت یک مشت انگل دزد و جانی به اسم شاه و امام و اسلام و سرمایه دار را پایان دهد. باید متحد شد و حول این خواستها و پرچم و افق به میدان آمد. باید به میدان آمد و اجازه ندهیم به اسم "هم میهن" و "همه با هم" و به صرف "ضدیت" با جمهوری ننگین اسلامی دوباره یک نظام ننگین و بورژوازی را در قالب دیگری بر جامعه تحمیل کنند!

کارگران، زنان، جوانان، فرهنگیان، مردم آزادیخواه و برابری طلب!

علیه استبداد و جنایات جمهوری اسلامی و علیه اپوزسیون مرتجع و کسانی که مسیر مبارزه انقلابی ما علیه جمهوری اسلامی را به بیراهه های خرافی و ارتجاعی مذهبی و ملی گرایانه و "حمایت امریکا" سوق میدهند با تمام قدرت به میدان بیایید و ایستادگی کنید! صف اعتراض و مبارزه ی که برای کسب آزادی، برابری، رفاه، امنیت و نظام شورائی و سوسیالیستی مبارزه میکند با صف اپوزسیون و اعتراضات که با مطالبات ارتجاعی به میدان می آیند و ضد آزادی و برابری و حقوق برابر شهروندی و نظام شورائی و سوسیالیستی هستند نباید در یک صف قرار بگیرند! بدون چنین جدائی های جنبش ما از نو با شکست و ناکامی مواجه خواهد شد!

زنده باد صف مستقل و متحد طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی!

نه به جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری!

زنده باد جنبش شورائی، زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

۱ مرداد ۱۳۹۹ ۲۲ جولای ۲۰۲۰

واقعیت این است که نبرد بسیار سنگین و چه بسا خونین طبقه کارگران و سوسیالیستها و زنان و جوانان آزادیخواه با صف اوباشان حامی خرافه مذهبی و ملیگرائی و طرفداران نظام ظالمانه و کثیف سرمایه داری در چهار گوشه ایران در انتظار است!، ایران بعد از جمهوری اسلامی یا باید یک ایران سوسیالیستی و آزاد و مرفه باشد یا یک ایران باز هم متکی بر بربریت سرمایه داری و چه بسا به سوی جنگ و نزاع بی پایان شونیستی، مذهبی، و قوم پرستی در سراسر کشور. ما همه شهروندان آزادیخواه را به انتخاب راه حل اول، یعنی انتخاب یک جامعه سوسیالیستی و نظام شورائی فرامیخوانیم! (سلام زیجی)

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



سرنگونی که به پیروزی جنبش آزادیخواهی، کارگری و سوسیالیسم منجر نگردد، به درد ما نمی خورد! (متن تلخیص شده سخنان سلام زیجی در دو گفتگو و دیالوگ زنده در شبکه های اجتماعی فیسبوک و تلگرام "جنبش عدالت خواهی ایران")

(بخش ۱)

صدیق کریمی: ضمن خوش آمدگویی مجدد

به سلام زیجی و تشکر از اینکه دعوت ما را به این گفتگو پذیرفتید، لطفا شما هم در باره سوال اول گفتگو و اینکه اوضاع منطقه و ایران را چگونه ارزیابی میکنید، نظر شما را هم بشنویم.

یک فاکتور پیچیدگی و موانع سر راه مبارزه با جمهوری اسلامی نقش و سیاستهای کشورهای غربی در برخورد به آن نظام است. من و جنبش ما همواره معتقد بوده ایم که جمهوری اسلامی نه محصول انقلاب ۵۷ بلکه ساخته و پخته دست کشورهای غربی از جمله دولت وقت امریکا برای سرکوب انقلاب و تحمیل آن به جامعه ایران است، در این ۴۱ سال هم همواره شاهد سیاستهای بوده ایم از جانب این دولتها در برخورد به جمهوری اسلامی که در جهت کمک به بقای او تمام شده است. از راه تحریم اقتصادی، از راه کش دادن طولانی مدت "هسته" ای، از راه تحریکات نظامی، از راه باز کردن دست رژیم در کشمکشهای منطقه ای، و غیره همواره ضمن اینکه هدف رام کردن و گرفتن سهم بیشتری از جمهوری اسلامی داشته اند اما هرگز در راستایی تضعیف و سرنگونی آن گام بر نداشته اند. طبعاً ترامپ و امثال او هم دوست دارن "مردم اعتراض" کنند چون آنها در راستایی همان اهداف ارتجاعی خود بکار میبرند نه اینکه به مسیری سوق پیدا کند که از این طریق رژیم سرنگون گردد.

سلام زیجی: من هم به شما و شنوندگان و بینندگان این برنامه درود میفرستم. اجازه میخوام قبل از وارد شدن به بحث، تسلیت عمیق خود را به مناسبت دو حادثه دلخراش آتش سوزی جنگلها در پاره، که در آن سه انسان شرافتمند و فعال محیط زیست جان عزیزشان را از دست دادند، و همچنین رویداد دیروز در مرکز درمانی در تهران، که ۱۸-۱۹ نفر در آنجا نیز جان عزیزشان را از دست دادند، تقدیم بستگان و همه شهروندان کنم و خود را در این اندوه سنگین شریک میدانم.

اما در باره پرسش شما: از نظر من روند اوضاع منطقه و ایران بسیار پیچیده و برای شهروندان پرهزینه تر شده است. تا جایی که به ایران بر میگردد مبنای این پیچیدگی ریشه در تحول ناگواری دارد که در جریان انقلاب سال ۵۷ اتفاق افتاد. از نظر من و جنبش ما جریانی که نمی بایست دو روز هم در ایران به قدرت برسد اکنون ۴۱ سال است حکومت اسلامی خود را اعمال میکند. یک حکومت ضد انقلابی، ضد کارگری، ضد انسانی، ضد زن و ضد هر پدیده ای که به انسان و انسانیت نزدیکی دارد، بیش از چهار دهه است سرنوشت آن کشور را رقم میزند. رویدادهای در آن دوره اتفاق افتاد، قیامی علیه استبداد شاهنشاهی صورت گرفت اما ظاهراً حاصل آن شد این نظام ارتجاعی تر از نظام پادشاهی. اهداف و آرمان و آرزوهای آن قیام را شکل داد اما متأسفانه با روی کار آمدن جمهوری اسلامی و جنایت سازمانیافته که شکل گرفت این آرمانها و اهداف آزادیخواهانه عملاً به خاکستری تبدیل شد. نه تنها استبداد و کشتار و اعدامها بیشتر شد بلکه در ادامه جمهوری اسلامی حتی بخشی از جامعه را نیز هم از نظر سیاسی و هم اقتصادی و هم روحی و اخلاقی به نابودی و استیصال کشانده است. هر نیروی که برای سرنگونی این نظام در تلاش باشد باید بداند مسیر سخت و پیچیده ای پیش رو دارد.

من معتقد هستم که جمهوری اسلامی را باید با زور، زور انقلابی، سرنگون کرد. مطلقاً منظورم از زور دخالت نظامی و غیر نظامی دولتهای خارجه نیست! گفتیم آنها خود مانع جدی سر راه ما هستند، منظور زور جنبشهای اجتماعی، و در راس آن قدرت متشکل جنبش کارگری است که اولاً از نظر کمی اکثریت جامعه را تشکیل می دهد، از نظر سیاسی روشنتر و مصمتمتر و سرکوب شده ترینها است و از نظر اقتصادی کلیت زندگی اقتصادی مملکت در دست آن طبقه است، همزمان نقش جنبش آزادیخواهانه زنان و جوانان نیز دو رکن ها مهم دیگر جنبشهای کلیدی را تشکیل می دهند که میتوانند در صورت اتحاد حول سیاست و برنامه روشن رژیم را به مصادف نهایی بطلانند. و در نهایت ما به زور نیروی مسلح علیه رژیم هم نیاز مبرم داریم و خواهیم داشت، جمهوری اسلامی جامعه را مجبور کرده و می کند دست به اسلحه ببرند و از خود دفاع نمایند، در اعتراضات آبانماه و اعتراضات کارگری و دهها مورد دیگر ما دیدیم این نظام وحشی چگونه سینه جوان معترض دست خالی را با گلوله سوراخ می کرد و تیر خلاص به پیشانی شان می زدند و چگونه سرو صورت کارگران را خونین کرده اند، بگونه ای حتی خودشان علناً چنین جنایتی را اقرار و اعلام میکردند. بنابراین چنین نظام آدمکشی وقتی به جای این اعتراضات شاهد اعتراضات قدرتمند تر و میلیونی در سراسر کشور باشد، وقتی شاهد اعتصاب و اعتراض میلیونها کارگر باشد، وقتی شاهد خروش میلیونی زنان

لطفاً برای تماس مستقیم با دبیرخانه حزب
سوسیالیست انقلابی ایران تنها با این آدرس
تماس حاصل کنید
Iransocialist2017@gmail.com

ادامه

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی!

سرنگونی که به پیروزی ...

سرکوب شده دست اسلام و قوانین دوره بربریت باشد، وقتی صدای آزادی و برابری و سوسیالیسم در سراسر کشور به صدا در بیاید، معلوم است که افسارهایش را تماما پاره میکند و مقاومت نهایی خواهد کرد و به آسانی تسلیم نمی شود و عقب نمی نشیند. اگر ما برای آن رویارویی از هر نظری خود را آماده نکنیم، و همه ابزارهای قهر انقلابی علیه این رژیم را بکار نه اندازیم، میتواند دوباره ما را سرکوب و خونین کند، ولی با چنین آمادگی و قهر و برنامه ای که گفته شد به میدان بیاییم شکی نباید داشت که مقاومت و مخاطراتش را خنثی و کل نظامش را نابود خواهیم کرد!

به علاوه عواملهای منطقه ای هم به فاکتورهای منفی سر راه مبارزه آزادیخواهان ما تبدیل شده است. منطقه ای که اساسا به دلیل سیاستهای ارتجاعی دولت امریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی و هم به دلیل نقش و حضور جنایتکارانه جمهوری اسلامی به یک کشتارگاه و یک زندگی جهنمی و سناریو سیاهی برای دهها میلیون انسان در چند کشور تبدیل شده است. و اختیار شهروندان به دست یک مشت کانگستر تروریست اسلامی و ناسیونالیست قوم پرست افتاده و آینده بسیار تاریکی جلو جامعه گذاشته اند. این اوضاع تاثیر بسیار مخربی روی جامعه ایران هم گذاشته است، از سوی جمهوری اسلامی و قبحخانه از آن سوه استفاده میکند و خود را حکومت "تامین امنیت" در ایران معرفی میکند و گویا مانع وقوع آن جنگها در ایران شده و اگر کسی علیه او به

میدان بیاید ایران هم تبدیل به سوریه و عراق می شود. در حالی که ما می دانیم جمهوری اسلامی چرند می گوید، خود یک عامل اصلی وقوع این جنایتها و جنگها در آن کشورها نیز هست و از آن برای تداوم بقای خود و به عنوان پوششی در مقابل یورش جامعه به کلیت نظامش در ایران بهره برده است و فضای ارباب و جنایاتش را با این نوع ترفندها توجیه کرده است.

در نتیجه واقعیت این است که ما شاهد سطحی از محافظه کاری و عدم آمادگی کافی برای رویارویی قاطع با جمهوری اسلامی در جامعه ایران هستیم که تاثیر گرفته از عوملی است که بر شمردم. علاوه بر تجربه زندگی تحت حاکمیت دو نظام استبدادی در یک قرن اخیر، علاوه بر تجربه درد آور چهل سال جنایت و کشتار و ترور این نظام علیه حداقل مطالبات جامعه، علاوه بر تاثیرات مخرب جنایات و جنگهای تحمیل شده در کشورهای همجوار ایران، ما شاهد خلا بزرگ عدم شکل گیری یک اپوزسیون، یا احزاب سوسیالیستی و مترقی و پیشروی که بتواند امیال و آرزوهای آزادیخواهان اکثریت جامعه را نمایندگی کند و امر سرنگونی انقلابی را رهبری کند، هستیم.

ما به یک آلترناتیو قدرتمند و معتبر نیاز داریم که متاسفانه هنوز شکل نگرفته است. و برای این مهم نباید سیاست و راهی که در سال ۵۷ طی کردیم تکرار کنیم، نباید گفت اول باید رژیم برود بعد هر چه بادا باد،

نه! من مخالف جدی این سیاست هستم، نباید کسی دوباره به این دام به افتد. جریان و جنبش ما باید برایش روشن باشد بعداز سرنگونی این رژیم چه بدست می آورد، کارگر چه موقعیتی خواهد داشت، زن چه سرنوشتی پیدا میکند، فقط تغییر رنگ لچک یا "آزادی پوشش"؟، نه! باید روشن باشد که برابری زن و مرد در همه شئون زندگی، سیاست، اقتصاد، خانواده و غیره برابر خواهد شد، بجز این چرا باید آمد بیرون خود را به کشتن داد و ندانید بعدش هم چه میشود! طبقه کارگری که همواره زندگی و معیشت و ثروت جامعه را ساخته است، از جانب دو نظام استبداد سرمایه داری سرکوب شده، حقش به گروه گرفته شده، اجازه تشکل و فعالیت آزادانه نداشته، به جرم شرکت در اول مه تازیانه بر پشتش شلاق فرود می آورند، همین کارگران هفت تپه که دوباره به میدان اعتراض کشیده شده اند سه ماه است حقوق ناچیزشان را هم نداده اند، چرا باید صرفا دنبال "سرنگونی" "همه با هم" برود و فردا هم معلوم نباشد سر از کجا در می آورد و قدرت دست چه کسی می افتند.

ما به این دلیل میخواهیم این نظام سرنگون شود چون در ادامه نظام پادشاهی باز هم بی حقوقی، فقر، اعدام، زندان و نبود حداقل آزادی به اضافه یک خروار مزخرفات اسلامی بر ما تحمیل کرده و امروز دوباره خواهان از سر راه رفتن چنین نظامهای هستیم، یعنی ما به دنبال آزادی، رفاه، امنیت، برابری و حقوق برابر شهروندی در همه سطوح و خواهان آلترناتیو و نظامی هستیم که تضمین کننده چنین جامعه ای باشد، این آلترناتیو هم

نمیتواند جز سوسیالیسم و یک جامعه شورائی که حکومت و اختیار انسانها دست خود شهروندان است، پدیده دیگری باشد. اقتصاد ایران هم در نظام سلطنتی و هم اسلامی یکی از بزرگترین کشورهای ثروت مند منطقه بوده اما سهم کارگر و اکثریت جامعه از آن هیچی! همه در جیب یک مشت سرمایه دار و دولتی انگل رفته است....

نسل ما در دو دوره طولانی مدت دو نظام را تجربه کرده است، نظام پادشاهی و نظام اسلامی. هر دو بجز سرکوب و جنایت و فقر و تبعیض و فساد و استبداد عریان کاری برای ما نکرده اند، اینها را نباید دیگر تحمل کرد. اینها هر دو حتی کاری کرده اند که نفرت قومی و مذهبی به یک واقعیت تلخ تبدیل شده است، هر دو زبان مادری و حق برابری شهروندی را از جامعه سلب کرده اند، هر دو با پرچم شونبستی و اسلامی به مسائل جامعه پاسخ دادند. این دوران باید پایان پیدا کند، باید با اتکا به اکثریت معترض در جامعه و با اتکا به جنبش عظیم کارگری و زنان آزادیخواه پرچم آزادی و برابری و حقوق برابر شهروندی در دست بگیریم و فراخوان به میدان آمدن سرنگونی رژیم سیاه اسلامی بدهیم و برای استقرار یک نظام آزاد و برابر و سوسیالیستی متحدانه به میدان بیاییم. باید تعهد بدهیم که برای این آینده تلاش میکنیم، نه برای کوبیدن طبل شونبستی و قومی و شکل دیگری از استبداد و جنایت و تفرقه و اعمال حاکمیت زورگویانه.

ادامه

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

سرنگونی که به پیروزی ...



باید معنای رای دادن واقعی باشد، شما قبل از قدرت گیری شاه و شیخ و رئیس جمهورت را تعیین کرده ای معنی آن پوچ شمردن حق اولیه شهروندان و همین "هم میهنان" تان است. اینها تاریخشان باید به پایان رساند، نوبت نوبت ما است، ما کارگران و صف آزادیخواهان و سوسیالیستها و صف قربانیان دست دو نظام بورژوا استبدادی ملی و مذهبی.

حسین نامدار: "... شما در باره وجود یاس در جامعه صحبت کردید، راه حل چیست؟... از دادن تعهد صحبت کردید، چه تضمینی باید داد که آینده بهتری بدست آورد، چه شخصی، چه تشکیلاتی؟ آیا بجز اجماع جمعی میتوان کار دیگری کرد؟..."

سلام زیجی: پاسخ وجود یاس دادن امید و آینده روشنتری است. ما در عین حال که بر واقعیت‌های جنایات و بی رحمی و وحشی گری جمهوری اسلامی صحبت میکنیم تا راهای مقابله مان را علیه آن هموارتر کنیم و بسازیم، روی دیگر سکه بیان این واقعیت این است که این رژیم با این وجود یک رژیم بسیار شکننده ای است چون روی تنفر اجتماعی گسترده با زور حاکمیت میکند و حکومت تحمیل شده ای است نه محصول انقلاب ۵۷!، بستگی دارد

بستگی دارد چگونه علیه آن به جنگ نهائی خواهید رفت. بنظر من در صورت تامین تحزب و تشکل و آگاهی و اتحاد کافی و تامین سیاست و رهبری انقلابی و سوسیالیستی و کارگری، این رژیم رفتنی است!

ما اکنون با یک اپوزسیون ناتوان و بخشا نالایق مواجه هستیم. این کمبودها را باید رفع کنیم تا امید و تلاش و مبارزه جدی جایگزین یاس و بی تفاوتی و ترس گردد. گفتیم از سال ۵۷ و از زمانی که کارگر نفت کمر رژیم شاه را شکست داد متأسفانه ما نتوانستیم آلترناتیو و احزاب آن جنبش و قدرت را بسازیم. اگر چنین نمیبود میتوانست همان کارگر قدرت حکومتی را بگیرد، میشد مانع روی کار آمدن جریان خمینی مرتجع شد. وقتی این اتفاقات نه افتاد، عوارض منفی آن کش پیدا کرده تا امروز. اکنون با درس گرفتن از این تاریخ باید چنان مسیری طی کرد که اجازه نداد به اسم شاه و ملت و میهن و یا هر حربه ای دیگری کسی بیاید مبارزه و امید و تلاش جامعه را به چاله دیگری به اندازد. نباید گذاشت هیچ طرح و آلترناتیویی که برای حراست از سرمایه داری و سرمایه داران و برای فریب جامعه پا پیش میگذارد خودش را به جامعه تحمیل کند. باید همین امروز این تجربه اولیه را کسب کرد که قدرت دولتی آتی مال خود جامعه است، حکومت از پائین شکل می گیرد، یک نظام شورائی خواهد بود، نه مانند سابق و تجربه کشورهای همجوار که در خارج چند عنصر مرتجع حساب پس داده در اپوزسیون مورد تأیید امریکا را سروسامان بدهند و

مانندخمینی به عنوان "رهبر" به ما بفروشد. وجود این آگاهی با خود امید و انرژی و حس مسئولیت و متکی به خود را در جامعه تقویت میکند. ما باید این راه و راه حل را تقویت کنیم. آن جنبشی که حکومت را می اندازد نباید اجازه بدهد جنبش و عناصر دست راستی دیگری آنرا از آن خود کند و حکومتشان را مستقر کنند، و دوباره آش همان آش!

"نقش مخرب دولت امریکا"

در باره بحث نقش امریکا، واقعیت این است که همه احزاب اپوزسیون راست سیاستشان را با اتکا به دخالت دولتهای غربی و کمک آنها استوار کرده اند. و این، در صورت تفوق آلترناتیو آنها، یعنی بعد از جمهوری اسلامی مردم آزادیخواه در ایران به نظام آزاد و برابر دلخواه خود نخواهند رسید، همانطوری که نه در ایران و نه در دنیای امروز و منطقه هیچ جامعه ای از این مسیر به آرامش و رهائی و خوشبختی نرسیده است. هر شاه پرست و مشروطه چی، هر مجاهد اسلامی و ناسیونالیست قوم پرست اپوزسیونی، هر کدام به شکلی، در کل خواهان دخالت دولتهای غربی اند، با محاصره اقتصادی با ماجراجوئی نظامی و با هر تهدید الکی ترامپ همه اینها انرژی میگیرند و با سرد شدن این فضا آنها مستاصل میشوند، و بعضا دوباره به سوی اصلاحات و حتی مذاکره و همراه شدن با رژیم روی می آورند. این اپوزسیون خود یکی از عاملهای بقای جمهوری اسلامی است.

"تعهد عملی اپوزسیون"

در باره "تعهد" دادن. ضمن اینکه من به روند مبارزه در داخل کشور متکی و امیدوار هستم اما خارج هم بعضا میتواند نقش درست ایفا کند اگر در همان مسیر جریان آب حرکت کند، نقش انقلابی و کمک کننده مبارزه کارگری و انقلابی در داخل باشد نه ترامپیست و شونیست و قوم پرست و اسلام نوع دومی باشند! کسی که به دنبال راه انداختن سناریو سیاه و جنگ احمقانه قومی و اسلامی و شونیستی باشد، مورد خطاب بحث تعهد دادن من نیستند! اینها از نظر من دشمن آزادی و برابری و خوشبختی جامعه اند. اما از نظر من نیروهای راست و چپ که احساس مسئولیت میکنند، نگران این مخاطرات و سرنوشت جامعه هستند، واقعا سیاست دیپلماسی فاسد و فریبکارانه را نبال نمیکنند و به دنبال استقرار یک نظام بر آمده از رای و اراده برابر شهروندی بعد از جمهوری اسلامی هستند، میتوانند حول پاره ای مسائل گرهی در این راستا تعهدات مشترکی را امضا کنند و پایبندی خود را به آن اصول بطور علنی اعلام و به قضاوت جامعه بگذارند. برای مثال اعلام پایبندی به:

۱- دفاع از حقوق برابر شهروندی در همه سطوح در کشور
۲- با هر شکلی از تفرقه ملی و مذهبی و هر شکلی از جنگ و زورگویی مسلحانه در کشور مخالف است
۳- با هر نوع وابستگی و همراه شدن با سیاست دولتهای خارجی از جمله دولت امریکا در برخورد با ایران مخالف است

ادامه

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

سرنگونی که به پیروزی ...



۴- تحت هر شرایطی از آزادی بیان و حق تشکل و حزب و اعتراض و اعتصاب حمایت میکنند- خواهان لغو همه قوانین و سیاست و فرهنگ مذهبی و ملی گرایانه و شونیستی در جامعه، آموزش و پرورش، اداره جات، قوانین، قویه قضایه، خانواده و ووو هستند- ۶- خواهان انحلال همه نهادهای مسلح حرفه ای و سرکوبگر مانند ارتش، سپاه، نیروی انتظامی، اطلاعات، بسیج ووو

۷- اعلام تعهد به اعمال برابری کامل بین زن و مرد در همه سطوح و لغو همه قوانین نافی آن ۸- دفاع کامل از رفع ستم ملی و حق رفرا ندیم برای حل مشکل ستم ملی ۹- اعلام دفاع از آزادی، برابری، رفاه و امنیت همه شهروندان مستقل از نژاد، جنسیت، مذهب و تفکر و اندیشه ای. و اعلام مخالفت با هر حزب و سیاستی که بر اساس قومیت و تحریک نژادی و مذهبی چه در پوشش شاه و شونیسم، چه در پوشش مذهب و جمهوری، چه در پوشش ناسیونالیسم و فدرالیسم از نظام حکومتی آتی دفاع می کنند. و...

منظور من از دادن تعهد رسمی و علنی این جنبه ها است نه قول دادنهایی دروغین شبیه خمینی به هدف فریب مردم.

صدیق کریمی: من در اینجا دو سوال دارم از شما جناب زیجی ۱- رهبران احزاب اپوزسیون اگر هستند کجا هستند؟

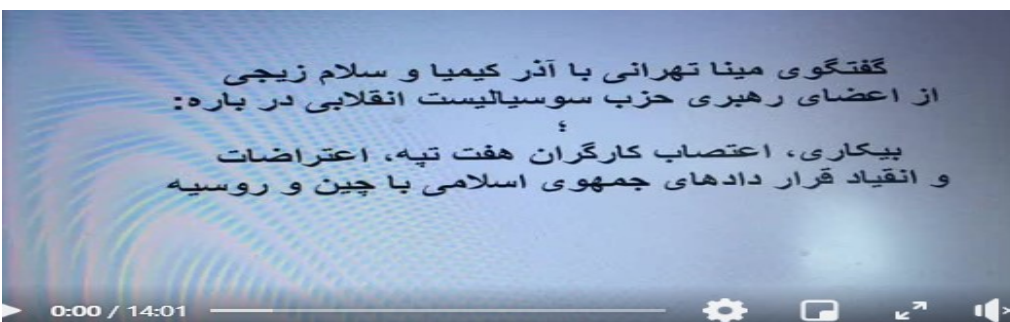
چرا جواب منتقد و مردم را نمی دهند؟ ۲- در باره جامعه کردستان که وقتی بحث آن میشود اتهام "تجزیه طلبی" میزنند، نظر شما در این دو مورد چیست؟

سلام زیجی: رهبران همه احزاب هستند، اما هر کسی دنبال سیاست و پروژه های خودش است، در ضمن شخصا آن جایگاه که سابقا برای ایفای نقش مثبت برای احزاب خارج کشوری قائل بودم حالا قائل نیستم. از نظر ما اساس تحولات انقلابی در بستر جامعه ایران صورت خواهد گرفت، کسانی که ۴۱ سال است از آن مبارزه دور و یا غرق در زندگی مجلل خارج کشوری شده اند نمیتوانند منشا تحول انقلابی در ایران باشند. جریانی که خود را مثلا با مبارزه اعتراض کارگر هفت تپه ای هماهنگ نکند ربطی به جامعه ندارد، کسی که سیاستهایش را با اعتراض و تحرک اختلاسگران فراری از کشور

"یا سیاست دولتهای غربی و کشمکش آنها با جمهوری اسلامی همساز کرده نمیتواند نه تنها نقش مثبت بر تحولات انقلابی برای سرنگونی داشته باشد که خود مانع سر راه این مسیر است. اما در این میان بحث اینکه گویا "اپوزسیون کورد" فعالتر یا بهتر از بقیه اپوزسیون است (در توضیحات آقای کریمی به آن اشاره شد) ارزیابی نادرستی است. بخش عمده آنها نیز در همان چهار چوب اپوزسیون راست ناسیونالیستی یا مذهبی ایرانی سیاست و افق خود را تعریف میکنند، حتی برای حل مساله کرد و رفع ستم ملی نیز احزاب کرد بعد از جنایت و سرکوبگری دولتهای مرکزی عامل منفیو موانع دوم سر راه حل این معضل واقعی هستند. آنها اساسا در پوشش "ملت کورد" به دنبال سهمیم شدن طبقه بورژوازی کورد در حاکمیت هستند. درست مانند یک جریان شونیست فارس و ترک و عرب یا دیگر جریانات مذهبی ایرانی که به اسم "هم میهن" و "ملت ایران" برای جانشینی خود بجای جمهوری اسلامی در تکاپو هستند.

بدین ترتیب بنظر من در ایران و آن منطقه به دلیل حاکمیت سیاه حکومتیهای استبدادی و مذهبی و شونیستی در طول تاریخ اپوزسیونی هم که از خود بیرون داده اند بخشا همان شکل و فرهنگ و سیاست دولت و طبقه حاکمه را در خود نمایندگی میکنند، عینا شبیه شباهت یک بچه گربه با خود گربه هستند. از اتکا به کشورهای دیگر گرفته تا مناسبات سرکوبگرانه درونی شان، از توسل به ابزار سرکوب تا تحریکات خرافه گری ملی و مذهبی از باد زدن طرح های مبتنی بر نژاد پرستی و دینی در شکل فدرالیسم تا تحریکات و تهدیدات متقابل در پوشش "دفاع از تمامیت ارضی کشور" همه دال به همسوئی سیاست و فرهنگ دول حاکم با اپوزسیون دست راستی اش است، هر چند با همدیگر هم بر سر "تقسیم قدرت" در دعا و کشمکش بسر میبرند.

ادامه ←



بخش ۱ فایل

<https://www.facebook.com/salam.zijji/videos/3765749360106956>

ادامه در بخش ۲ فایل

<https://www.facebook.com/salam.zijji/videos/3765827946765764>

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

سرنگونی که به پیروزی ...

پاسخ ما به همه اینها باید جواب یک "نه" بزرگ باشد، نه به جنگ قومی و مذهبی راه انداختن، نه به سرکوب و قلدری و لشکر کشی علیه بخش دیگری از جامعه به هر بهانه ای. در مقابل باید پرچم برابری انسان و حق برابر شهروندی را برداشت، اول باید انسانیت را پذیرفت. قبل از فارس و ترک و کرد و عرب بودن همه انسان هستیم، همه امنیت، رفاه، آزادی و حقوق برابر در همه زمینه ها می خواهیم، باید با این پرچم و هدف سیاست را در ایران جلو برد نه آنچه که حکومتها و ارتجاع ملی و مذهبی دارند به پیش می برند، پاسخ به تامین اهداف و نیازمندیهای انسانی سوسیالیسم است، یک نظامی که نه بر مبنای عرق ملی و مذهبی و سیاست برتری طلبی و زور و استثمار بلکه بر اساس کسب حق و حقوق برابر هر شهروندی و مشارکت واقعی آنها در اعمال قدرت دولتی و حق انتخاب در سرنوشت خود و کشور. بنظر من اتحاد و همسوئی با این سیاست است حتی راه سرنگونی جمهوری اسلامی را برای جامعه هموارتر و ممکن تر میکند. شما هم اطلاع دارید که کاشتن تخم نفاق ملی و مذهبی یک رکن سیاست جمهوری اسلامی هم هست، تفرقه به انداز حکومت کن، همواره یکی از شگردهای دولتهای مرکزی بوده است.

"تجزیه طلبی"

در باره "اتهامات تجزیه طلبانه" به بخشی از جامعه یا اپوزسیون کوردی باید عرض کنم ریشه اش در همان سیاستهای ضد انسانی و بی ربط به حقوق برابر شهروندی

دارد که خدمت تان عرض کردم، اینها سیاست طبقه و جنبشی است که نتوانسته و نخواستند پاسخ انسانی و درست به معضلی بدهد که خود در آفرینش آن مجرم و سهیم است.

نخیر، یا باید یک نظام کاملا برابر که در آن هیچ ستم و تبعیضی از جمله در زمینه زبان مادری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره نباید باقی بماند، و در ایران مستقر کنیم، یا اگر چنین امر مهمی به هر دلیلی به نتیجه نرسد، یا در هر حالتی، و مستقل از اینکه ما همواره خواهان اتحاد و همبستگی همه شهروندان در سرزمینهای بزرگتری هستیم، باید حق برگزاری فراندوم آزاد برای ماندن یا جدا شدن در ایران را برای آن بخشی از جامعه (در اینجا جامعه کردستان ایران مورد نظر است) که میخواهند، به رسمیت شناخت و کسی هم حق لشکر کشی علیه آن نباید داشته باشد.

"ما در ایران چکار کنیم"

صدیق کریمی: این سوال را هم اکنون از طریق شبکه از ایران با شما مطرح کرده اند، جناب زیجی وقتی از تمرکز فعالیت در داخل کشور صحبت میکنند، بنظر ایشان چه کارهای باید در داخل کشور انجام داد؟

سلام زیجی: در داخل کشور باید حول این اهداف و سیاستها متمرکز شد:

۱- جمهوری اسلامی باید برود! ۲- بعداز جمهوری اسلامی نباید هیچ شکلی از نظام سرمای داری را تحمل

کنیم، چون این نظام دیر یا زود از نو یک استبداد دیگر در کشور مستقر میکند، لذا باید علاوه بر جمهوری اسلامی ضد سرمایه داری نیز بود! ۳- باید برای لغو کامل همه جوانب قوانین و فرهنگ ضد زن بود، برابری زن و مرد یک رکن مهم مبارزه ما در ایران باید باشد ۴- باید ضمن دفاع جانانه از مبارزات کارگری علیه همه قوانین و استثمار کارگران در ایران بود! ۵- از برابری حقوق شهروندی در همه سطوح باید دفاع کرد. بدین ترتیب باید از آترناتیوی دفاع کرد که برای تامین حقوق برابر شهروندی و رفع همه ستمهای اعمال شده تلاش میکند، حق واقعی انتخاب و رای را به جامعه باز میگرداند ۶- از همین امروز باید به جریانی که از حالا برای جامعه از نو شاه و رئیس جمهور در خارج کشور تعیین کرده بگوییم شما را نمیخواهیم! ۷- به هر نوع آترناتیو سازی ملی گرایانه، شونیستی و مذهبی در خارج کشور باید گفت نخیر، نمی پذیریم تا دوباره به چاله دیگری نه افتیم ۸- باید علیه سیاستهای دولت امریکا، و دیگر دولتها بورژوازی، و علیه سیاست تحریم اقتصادی و تحریکات نظامی و دخالت هایشان بود، تا از سوئی دست آنها را در تحمیل آترناتیو سازی ارتجاعی نوع خمینی علیه جامعه ببندیم و همزمان مانع تاثیرات مخرب سیاستهای آنها در مبارزه انقلابی جامعه و کمک آنها به تداوم قدرت و زورگویی و سرکوب جمهوری اسلامی شویم. ۹- باید علیه طرح فدرالیسم بود چون ضد انسانی و پیام آور جنگ و خونریزی و عامل ابدی کردن نزاع ملی و مذهبی بین شهروندان است، عراق امروز بعداز صدام حسین

نمونه واقعی و زنده فدرالیسم بر مبنای قوم و مذهب است که بجز یک مشت کانگستر و ملی گرا و مذهبی وحشی و سرکوبگر کسی اختیاری در آن کشور ندارد. ۱۰- ما باید برای جامعه ای مبارزه کنیم که بعداز این همه سرکوب و کشتار و جنایت و فقر و بدبختی تحمیل شده، اجازه به قدرت رسیدن دسته دیگری از همین سرکونگران و حامیان فقر و نابرابری ندهیم، بلکه باید یک جامعه آزاد و برابر و انسانی و سوسیالیستی را مستقر کنیم. ۱۱- و حرف آخر اینکه این مسائل پایه ای را نمیتوانیم با ترفند "همه باهم" به سر انجام برسانیم. مسیر و مسائل ما نه تنها با جمهوری اسلامی که با بخش زیادی از اپوزسیون هم در تضاد قرار دارد، بیس فریب همه ایرانی هستیم و همه با هم باشیم و اول این رژیم برود بعد ایران را میسازیم نباید خورد، لذا باید از همین امروز با این اهداف و سیاست صف خود را مستقل و جدا کنیم و یک جنبش عظیم آزادیخواهانه را هم علیه رژیم و سرنگون کردنش و هم برای استقرار یک نظام آزاد و برابر و سوسیالیستی متحد تر و آگاهتر سازمان دهیم. من از دوستان میخواهم حول این مسائل گرهی متحد شوند و تلاش کنند، در این چهار چوب است هر اپوزسیونی خواست میتوانیم با هم همراه و همکاری کنیم یا نه خواهد شد. ما جنبش سرنگونی همه با هم نداریم ما سرنگونی انقلابی و متکی به جنبش طبقاتی و

ادامه

مرگ بر سرمایه داری!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

سرنگونی که به پیروزی ...

آزادیخواهانه خودمان دنبال میکنیم، اما جریانیت زیادی با اتکا به امثال ترامپ فاشیست و سیاست تجربه شده خونین رژیم چینی و مشابه آن، این دو مسیر متفاوت و متضاد را هرگز نمیتوان در یک کاسه جمع کرد!

صدیق کریمی: سلام زیجی اگر حرف آخری داری در این برنامه و یا در باره اظهار نظر دیگر دوستان بفرمائید.

”اجماع ملی“، ”منشور سازمان ملل“

سلام زیجی: ببینید اگر کل بحث من را در این برنامه جمع بندی کنید این است: انسانگرایی و بر گرداندن اختیار به خود انسان. در دو نظامی که ما تجربه کرده ایم بجز طبقه بورژوا و حکومت گران مستبد شهروند فاقد اختیار و حقوق اول انسانی و شهروندی بوده است، این سیکل باید پایان یابد. لذا بر عکس نگاه خانم جیلانی این بحث ها را نمیشود در قالب ”ملی گرائی“ یا ”اجماع ملی“ استنباط کرد. من ملی گرا نیستم! انسانگرا و سوسیالیست. یک ملیگرا میتواند ترامپ باشد، سیاست و تعلق ملی گرایانه از جمله در ایران یاد آور سیاستهای است که بیش از یک قرن است در این پوشش بجز سرکوب انسان و آزادی انسان حاصلی نداشته است. و بخشی از جامعه از دست آن رنج کشیده است. من خواهان کنار زدن همه این نوع احساسات ملی گرایان هستم و در مقابل بر برابری انسان و ضرورت تامین حقوق برابری پای می فشارم چون این مسیر تنها راه رهایی ما را در آینده رقم خواهد زد. در مورد مطالبات ضمن اینکه فکر کنم بخش قابل توجه آنرا در این بحث ارائه کردم اما اگر به مطالبه پارسال کارگران هفت تپه مبنی بر ”نان، کار، آزاد، اداره شورائی“ رجوع کنید در واقع بیانگر سیاست و استراتژی ما هم هست، حال ممکن است به ادبیات دیگری ما آنرا طرح کنیم.

در باره منشور سازمان ملل و اینکه آقای نامدار به عنوان مبنای ”مشترک“ اسم بردند، باید عرض کنم آن مفاد و منشور برای حفظ نظام سرمایه داری، حفظ اقتصاد و منافع کسانی که جیبشان پر است ممکن است مناسب باشد اما نه برای ما که خواهان برابری همه هستیم. با آن منشور هرگز به حقوق برابر شهروندی نمیرسیم همچنانکه امروز در جهان هیچ جامعه ی به آن نرسیده است، در فرصت دیگری بیشتر این نکات را توضیح خواهم داد. در آخر همه را فرامیخوانم به سیاست طبقه و جنبش و حزب ما روی بیاورند چون جامعه بعد از زندگی سرکوب و تحقیر شده دست دو حکومت سرمایه دارانه سلطنتی و اسلامی امروز باید بدانند که لیاقت آزادی کامل و زندگی متفاوت تری در یک نظام سیاسی و اقتصادی دیگری، که بر آمده از خودشان است، را دارند.

بخش (۲)

صدیق کریمی: در این بخش دوم ضمن خوش آمد گویی به مهماتان برنامه از سلام زیجی شروع میکنم و در ادامه برنامه قبلی در باره دو موضوع که مسئله مورد مناقشه چند روز اخیر نیز بوده: اول باز هم در باره اتحاد احزاب در ادامه بحث قبلی و اینکه چگونه میتوان اتحاد به وجود آورد؟ و دوم اینکه معامله اخیر چین و ایران که منجر به فروش جزایری شده ما چگونه میتوانیم ایران را از چین و خارجی ها پس بگیریم؟

سلام زیجی: با تشکر دوباره از دعوتتان برای شرکت در این برنامه. در باره بحث احزاب تصور میکنم در گفتگوی قبلی نقطه نظرات خود را گفتیم. در هر حال واقعیت این است احزاب مورد نظر شما عموماً هر کدام دنبال سیاستها و مشغله های خود هستند و در همین چهار چوب نیز ابراز وجود میکنند و هم جواب سر بالا و غیره به مخاطبین و منتقدین خود می دهند. عرض کردم که بخش عمده احزاب چپ و راست ”قدیمی“، ضمن ناکام بودنشان از نظر مکانیزم رهبری و مناسبات درونی و غیره کپی از همان سیستم و فرهنگ دولتها هستند، حال در شکل ”دمکراتیک“ تری. در احزاب راست البته چندان تفاوتی بین آنها و دولتهای دست راستی دیده نمیشود. روشن است اکنون در ایران هیچ کارگر و زن و انسان سرکوب شده ای به آسانی دسترسی به مقامات، به روحانی و خامنه ای ندارد، چون جامعه بورژوائی اینها را ”نخبه“ کرده، گویا مقام و پستهای دارند و از بقیه مهمترند!، در اینجا انسانها در دو موقعیت و ارزش متفاوتی برخوردار میشوند، یکی پائین تر و دیگری بالاتر. این فرهنگ حاکم بر کل دولتها و نظام طبقاتی حاکم و مناسبات حاکم بر دولتها به ویژه در شرق و خاورمیانه است، در حالی که در غرب اگر چه آن هم بورژوا و سیستم نابرابر حاکم است، اما به حکم مبارزات تاکتونی حداقل در این شکل قرون وسطی و عشیره بازی و عقب مانده طبقه حاکمه در ایران و آن منطقه نیست، طرف حزبی یکبار در انتخاباتی می بازد بارها رهبرش را عوض میکنند یا خودش کنار میرود، اما چنین پدیده ای نه در دولتهای حاکم و نه در صفوف احزاب اپوزسیون ایرانی مفهومی ندارد و ندیده ایم.

بیشتر احزاب ایرانی رهبریشان به اندازه خامنه ای عمر رهبری کردن دارند و هیچ قدرتی هم قادر به کنار زدنش نیست و بخشا توده تشکیلاتشان هم همان فرهنگ توده مردم ”معمولی“ دارند که برای امثال خامنه ای های انگل سر تعظیم فرود می آورند. متأسفانه این فرهنگ ارتجاعی به فرهنگ بخشی از جامعه هم تبدیل شده، کسانی که دولا میشوند دست یا کفش یک مقام جانی و مرتجع را می بوسند، یا از پلیس و یک مقامی ترسیدن و غیره نشانه فاسد کردن بخشی از جامعه به واسطه فرهنگ و سیاست طبقه و عوامل حاکم در کشور. یا در عرصه سیاست کردن احزابی که در این چهل سال حداقل چهل بار گفته رژیم میرود،

ادامه

نگ و نفرت بر نظام سرمایه داری با دولت و احزاب و حامیان!

سرنگونی که به پیروزی ...

و روحی ده‌ها میلیون انسان در منطقه است، که یک سرش به دولت امریکا و سر دیگرش به دولتهای روسیه و چین وصل است و امثال جمهوری اسلامی و عربستان و بقیه هم در جهت تامین منافق و بقای خود در این تقابل جهانی در کنار یکی از آنها قرار گرفته اند. برای ما کل ماجرا ارتجاعی و ضد انسانی است و باید علیه همه آنها بود. می‌خواهم تاکید کنم که انسان سرکوب شده مقیم ایران و کارگر و زن و جوان تحقیر شده و سلب اختیار شده بدو باید حشوش از حلقوم سرمایه داران ایران و جمهوری اسلامی بیرون بکشد و وقتی توانست این کار را بکند حتما بعد به چین هم خواهد رسید، نه بر عکس! جامعه بدو باید در فکر سر کار آوردن نظام حکومتی باشد که منفعت جامعه و آزادی و رفاه و امنیت آن اولویت اول سیاست و عملکردش باشد در کشور و بیرون کشور، در این حالت است که سیاست خارجی و دیپلماسی ما در تناقض و تضاد با منافع جامعه نمیتواند قرار بگیرد. آنچه که جمهوری اسلامی انجام میدهد برای منافع حکومتی خود، تداوم حاکمیتش و بازیابی قدرت بیشتر برای سرکوب جامعه و سرازیر کردن کل ثروت کشور باز هم به جیب ارتجاع، اگر چنین درکی از این معامله داشته باشیم نمیتوانم از "پس گرفتن از چین" برای خود سخنی به میان بیاوریم، با این معامله و یا بدون آن سهم من و شمای کارگر و زن و جوان و انسانه آزاده در این مملکت فقر و بیکاری و سرکوب و اعتیاد و استثمار و جنایت هر روزه است، پس اول باید این حق را برای خود برگردانیم و به دام پروپاگند جمهوری اسلامی حول چنین معاملاتی نه افتیم که بخشی از جامعه و اپوزسیون را همواره سر کار گذاشته تا درد و رنج و اصل معضل و کشمکش در داخل کشور علیه نظامش را به حاشیه سوق دهد.

در سر زمین و "میهنی" که هر روز گرسنگی و تبعیض و سرکوب و اعدام جلو ما را گرفته چرا باید به دام احساسات ارتجاعی قومی و ملی گرائی تعدادی به افتیم که گویا درد ما فروختن و یا معامله سر وجبی از "آب و خاک ایران" است، ایران که زندگی و ثروت و امنیت و انسانیت در آن معنی ندارد هیچ جنگی برای "پس گرفتن" این و آن وجب از دست رفته آب و خاکش را نمیکم! ما برای پس گرفتن انسانیت مان از جنگ جمهوری اسلامی و نظام بورژوائی حاکم بر ایران باید بجنگیم! اصل موضوع این است که جمهوری اسلامی و امریکا و روسیه و چین و بقیه میدانند در منطقه ثروت عظیم نفت و گاز و معادن و نیروی کار ارزان و غیره وجود دارد، هر کدام گوشه ای از این لحاف را گرفته اند به طرف خود میکشند و در این راستا ده‌ها میلیون انسان را کشتار و آواره و بیخانمان کرده اند و بعدا با پول مفت همین مردم نقشه "بازسازی" همان مناطق ویران شده در عراق و سوریه و لبنان و لیبی و یمن و افغانستان و غیره میکشند و در نهایت بازنده جامعه و تک تک انسانهای رنجیده در این ممالک هستند. هر بار داستانی درست میکنند برای تداوم جنگ و بقای خود. سالها است داستان هسته ای درست کرده اند، سالها است هر بار به جای لشکر کشی می کنند، سالها است به اسم مبارزه با تروریسم هولناکترین سیاست تروریستی و آدمکشی خود را تقویت و تحمیل کرده اند و اکنون هم بحث حمله اسرائیل

ادامه

انقلاب می شود اما وقتی این اتفاق صورت نمیگیرد جوابگو نیست به کسی که چرا چنین نشد، مشکل کجاست" خطای خودتان چیست" ، بطول کلی بجز هياهو و دورغ و عوامفریبی پاسخی نه برای منتقد درونی خود دارند و نه برای جامعه، تازه تصور کن که بخشی از این احزاب مسلح اند در این کوه و آن دره تعدادی مسلح دورشان گرفته، و در این جریانها هر زبان منتقدی را می برند، هر مخالفی را فوراً سرکوب و حتی ترور می کنند. از چنین احزاب و فرهنگی انتظار بیخودی است توقع داشت مسئول پذیر باشند، جواب منتقد بدهند، سانسور نکنند، عدالت داشته باشند و غیره بنظر من اینها اصلاح پذیر نیستند، همان "بچه گریه" ای هستند که هر چه قدیمی تر هم میشوند در نهایت به شکل خود "گرچه بزرگه" در میابند نه چیز دیگری!، بهترین راه عبور کامل از آنها و ایجاد احزاب نوین است.

سال ۵۷ ایران جمعیت ۳۰ تا ۳۵ میلیونی داشت احزاب بعداز آن انقلاب شکل گرفتند و تا امروز که جمعیت شده بالای ۸۰ میلیون اینها کار عجیبی نتوانسته اند انجام بدهند. حرف من این است در میان این ۸۰ میلیون میتوان و باید احزاب پیشرو، سوسیالیست، کارگری و انقلابی جدید شکل بگیرد، میدانم جمهوری اسلامی مانع و جنایتکار است اما بنظرم اگر بخواهیم و شرایط را خوب درک کنیم و چشم در راه احزاب لانه کرده در خارج کشور و مسیر شکسته خورده نیاشیم میتوان با اعتماد بنفس احزاب بسیار قدرتمند سیاسی و توده ای را شکل داد که ریشه در بطن مبارزه کارگری و آزادیخواهانه در کشور داشته باشد.

"ایران را پس بگیریم"

اما در باره "ایران را پس بگیریم" چند نکته را عرض کنم. قبل از هر چیز من در باره سیاست خارجی و روابط دیپلماسی با بیرون ایران نگاه بسیار متفاوتی دارم، بستگی به این دارد چه کسی قدرت دولتی در اختیارش است، هر طبقه ی سیاست متفاوتی دارد، همچنین در سیاست خارجی و روابط دیپلماسی اش. اما در این شرایط مثلا همین کارگر هفت تپه ای که حقوقش را به گرو گرفته اند، یا میلیونها انسان بی خانمان و گرسنه که زندگی شان به دست همین حکومت "خودی" به تباهی کشانده شده چرا باید در غم و اندوه "پس گرفتن ایران" از چین و یا کشور دیگری باشد؟ بنظر من اول ما باید کشور را از دست همین حکومت "پس بگیریم" که شب و روز زندگیمان را از ما سلب کرده است. در عین حال ما این معامله را نیز مانند همه معاملات تا کنونی جمهوری اسلامی و همینطور در زمان شاه را به عنوان سیاستهای که در راستای تامین منافع اقتصادی، سیاسی، و تداوم بقای حاکمیت آنها مورد توجه قرار می دهیم، نه اینکه گویا ما در جزیره رفاه و آرامش زندگی میکنیم در ایران یکی دیگر از خارج آمده آنرا از ما گرفته و حال باید برویم پیش بگیریم!، جنبش ما نباید به دام این پروپاگندهای عمیقا ناسیونالیستی و شوونیستی به افتد! این معاملات بر بستر کشمکش قدرتهای جهانی و منطقه ای دارد صورت میگیرد که یک گوشه آن نابودی فیزیکی

شونیسم و ملی گرائی و اسلام دو روی سکه یک طبقه و جنبش ارتجاعی اند!

سرنگونی که به پیروزی ...

غیر واقعی است، باید همان تصویری داده شود که من اینجا به روشنی دارم توضیح و تشریح میکنم.

سوسیالیسم یعنی آزادی، برابری، رفاه، امنیت، حقوق برابر شهروندی و پایان استثمار و تبعیض و غیره، یعنی بازگرداندن اختیار به انسان و اعمال اراده جمعی در حاکمیت و همه وجوه زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از راه اعمال نظام شورائی. هر کسی بجز این تعریف دیگری از سوسیالیسم میکند تحریف شده است، حامی ظلم و ستم و استبداد و نابرابری در شکل دیگری است. در هر صورت در گام نخست من خواهان اتحاد این صف و جنبش برای تداوم مبارزه و کسب قدرت سیاسی هستم، در این بستر نیز میتوان با هر نیرو و جریان دیگری نیز همانطوری که در برنامه قبلی بر شمردم میتوان توافقها و همکاریهای موردی نیز داشت.

ما با اپوزسیون که دارد در شکل آلترناتیو سازی شبیه درست کردن پروسه خمینی و جریان فاسدش در ایران، یا در عصر جدید از نوع که در عراق و لیبی یک مشت عوامل امریکائی و دست ساز این و آن دولت را به اسم اپوزسیون به قدرت رسانده اند، نمیتوانیم همکاری داشته باشیم. آنچه در عراق بعد از صدام جنایتکار سر کار آورده اند، با عرب و کورد و ترکمن و شعیه و سنی اش بنظرم از صدام جنایتکارترند، در برخورد به شهروندان وحشی ترند، فقر و فلاکت بیشتر به جامعه تحمیل کرده اند، خوب چرا ما باید اجازه بدهیم همین شکل ارتجاعی را دوباره در ایران تکرار و تحمیل کنند؟

در سطح اپوزسیون راست آمدند "شورای ملی ایرانیان"، فرشگرد، یا اخیراً "شورای مدیریت عبور از جمهوری اسلامی" را در لندن درست کردند، وقتی به هر کدامش که نگاه میکنی، دقیقاً تکرار سناریو دوره خمینی است، تکرار سناریوهای شبیه عراق و لیبی است، به علاوه آشکارا و هنوز به قدرت نرسیده ضد آزادی و برابری و سوسیالیسم و کمونیسم هستند. بیانیه رسمی جریان مرتجع فرشگرد ولیعهد این نفرت خود را پنهان نکرده و مکتوب کرده است، یا جریان "شورائی مدیریت..." مشقی نیز که امثال مهدی فاسد و دارای دهها پرونده ضد انسانی، و یا حضور قدیم پاسدارهای که امروز تکنوکرات شده اند در خود جای داده. مردم چگونه باید به این مضحکه ها به شکل آلترناتیوی خود نگاه کنند؟!، به جریانات مرتجعی که بجز پول و قدرت و شراکت در قدرت دولتی هیچ منفعت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای اکثریت جامعه دنبال نمیکند، نباید رضایت داد؟ اینها برای ما با جمهوری اسلامی فرق بنیادی ندارند، همه شان ضد کارگر، ضد کمونیست، ضد حقوق برابر شهروندی، ضد آزادی های سیاسی و آزادی بیان بدون قید و شرط و ضد تقسیم ثروت کشور بطور برابر برای همه شهروندان هستند!، پس باید کاری کرد اینها را رسوا کرد نه اینکه به عنوان "اپوزسیون" و "آلترناتیو" در سیر تحولات جاری پذیرفته شوند. جریان مجاهد و شورائی ملی مقاومت و "رئیس جمهور منتخب" و لچک بنفش و سینه زنی امام حسینی شان که بسیار مضحک تر از بقیه نیروهای راست اپوزسیون نامبرده هستند. امکان ندارد جامعه بعد از تجربه حاکمیت خونین و مستبدانه شاهنشاهی و یا اسلامی دوباره به نوع دیگری از شاه یا اسلام نو مجاهدینی تن بدهد، اینها همه حق فعالیت دارند اما آلترناتیو حکومتی اینها به درد ایران نمی خورد، فرق بنیادی با آنچه که هم اکنون حاکم است ندارند. استبداد و زندان و اعدام و جنایت سازمان می دهند،

ادامه

به نظنر و جاهای دیگر مطرح است و معلوم نیست به این بهانه چه بحران و ویرانی دیگری به مردم تحمیل میکنند. همه این رویدادها به زیان مبارزه ما و به نفع تداوم حاکمیت سیاه این رژیم تمام شده است. اول باید روی مسائل خود در ایران تمرکز کرد، اول باید این رژیم را سرنگون کنیم، بعداً فرصت حل این نوع مسائل را هم خواهیم داشت. جمهوری اسلامی با این قراد داد "ننگین" و بدون آن جمهوری اسلامی است که باید برود! باید سرنگونش کرد، و این امر با هیاهوی شونیستی ایرانی و غیره ممکن نخواهد شد!

ما در آینده آزادی و رهائی سیاست سری دیپلماسی و یا جنگی با هیچ کشوری نخواهیم داشت و کسی هم به فکر گرفتن "آب و خاک ایران" نمی افتد. از همه میخوام به دام این نوع پروپاگندها نه افتند و علیه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و گرفتن حق خود از استثمارگران و جنایتکاران حاکم بر کشور و حول سیاستهای که خدمت تان عرض کردم متحد و متمرکز کنیم.

صدیق کریمی: سوال مهم دیگری هست که آیا شما خط قرمزی دارید در رابطه و همکاری با احزاب اپوزسیون سرنگونی طلب؟

سلام زیجی (در این بخش، قبل از پاسخ به سوال گرداننده برنامه، به دلیل بحث نامربوط که یکی از شرکت کنندگان علیه تاریخ کمونیسم و تجربه شوری سابق و غیره طرح شد، و از جانب سلام زیجی به ناچار پاسخهای داده شد، به دلیل طولانی تر نشدن این متن در اینجا این بخش پیاده نشده است. خوانندگان علاقمند میتوان به لینک بحثها مراجعه و گوش کنند). حالا بر میگردم به بحث اپوزسیون و سوال مشخص شما: پیشتر به یک اشتباه بزرگ سیاسی در سال ۵۷ مهم اشاره کردم و گفتم سیاست "همه باهم" و اینکه گفته شد اول شاه برود بعدش مهم نیست بسیار نادرست و سیاست خود فریبی و مردم فریبانه ای بود و حاصلش شکست آن قیام بر حق بود. همین سیاست تعدادی را برد پشت جریان خمینی، هر چند جریان ما، و شخص خودم، از روز اول علیه جریان خمینی هم بودیم و مثل بقیه فریب "ضد امپریالیست" بودن و "مستضعف" پناهی دروغین خمینی و جنبش کثیف اسلامی نخوردیم. اکنون ما نباید دوباره همان اشتباه مهلک را تکرار کنیم و دوباره جنبشمان را به مسیر شکست سوق بدهیم!، وقتی از "ما" صحبت میکنم منظورم ما کارگران و صف آزادیخواهی، ما زنان آزادیخواه و جنبش سوسیالیستی است، ما که برای آزادی، برابری، رفاه، امنیت و خوشبختی جامعه تلاش میکنیم و جزو سرکوب شدگان دو نظام پادشاهی و اسلامی هستیم.

"اتحاد حول آزادی، برابری و حقوق برابر شهروندی"

من بسیار طرفدار اتحاد هستم، اما حول آزادی و برابری و حقوق برابر شهروندی، نه هر چیز دیگری که نافی این آرمان و اهداف باشد، بنظرم کسی به دنبال خوشبختی جامعه باشد نمیتواند تصویر نادرست و سانسور شده از سوسیالیسم به دست بدهد. دادن تصویر نظام حاکم بر چین از سوسیالیسم صد درصد دروغین و

سرنگونی که به پیروزی ...

هشتاد درجه با حقیقت ماهیت و جایگاه کمونیسم در تناقض قرار دارد، ذات یک انسان سالم یعنی آزادیخواهی و برابری طلبی، یعنی برابری اقتصادی و نبود فاصله طبقاتی، یعنی در آرزوی پایان دادن به ستم و نابرابری و...، کمونیسم دقیقاً و عیناً حامل و نماینده چنین پیام و ذاتی است!، شما به یاد دارید در همان اوایل سال ۵۷ جریانات عقب مانده و مذهبی میگفتند "کمو" یعنی خدا، و "نیست" یعنی خدا نیست! ببینید تا چه حدی به دروغ و عوامفریبی و تحریف بیشترمانه متوسل میشدند تا جامعه به حقیقت پی نبرد و در دوره جهالت باقی بماند، ادعای اینکه کمونیسم با ذات انسان سازگاری ندارد به اندازه همان ادعای اسلامیه اعتبار دارد....

حسین نامدار (میایند وسط بحث) "آقای زیجی شما فکر میکنید جامعه ایران حکومت کمونیستی یا سوسیالیستی را میپذیرد؟"

سلام زیجی: بله به شما هم پاسخ می دهم، کمونیسم برای من همان سوسیالیسم در فاز دیگر است، کمونیسم به معنی لغو مالکیت خصوصی، لغو کار مزدی، یعنی اشتراکی کردن اقتصاد و دستاوردهای جامعه انسانی، یعنی استقرار نظام شورائی، یعنی پایان دولت و استثمار و نابرابری (در اینجا دوباره حسین نامدار وارد بحث میشوند بحث سلام زیجی قطع میشود و ایشان توضیحات خود را ادامه میدهد).

سلام زیجی: میخواستم این را عرض کنم تصویری که ما از سوسیالیسم و کمونیسم بدست میدهم و زندگی و افکار و مبارزه چهل و یکساله که امثال من داشته و دارد به سوسیالیسم و کمونیسم ربط دارد و واقعی است نه ادعای غیر واقعی مخالفینی که حامی نظامهای اسلامی یا سلطنتی یا نوعی از نظام بورژوائی هستند..... ببینید از دوره اتفاقات بعد از انقلاب اکتبر و کمون پاریس به اینسو بشریت بجز جنایت و سرکوب و وحشیگری نظامهای که ضد کمونیست و ضد آزادی و برابری انسانها بوده اند چیز دیگری ندیده اند، از شاه تا صدام و از خمینی تا قزافی و از همین اردغان و ترامپ تا همین اپوزسیون دست راستی ایران همه (هر یک به اندازه قد و قواره و امکاناتش) استثمارگر و جانی و سرکوبگر بوده و همچنان این داستان ادامه دارد. هر کسی که به دروغ و سانسور علیه کمونیستها پروپاگند میکند از اینها الهام گرفته است. و بخواد و نخواهد به ابزار دست سرمایه داران و استثمارگران تبدیل میشود حتی علیه "ذات" انسانیت خودش!

کمونیسم و سوسیالیسم من، جنبش و مبارزه و پرچمی است که حداقل در این ایران اولاً از نظر کمی از بقیه بیشتر است، و ثالثاً سبب مبارزه آزادیخواهانه علیه هر نظام استبدادی و ضد انسانی بوده و از هر جنبش و نیروی دیگر بهتر و بیشتر حامی آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی و حامی منافع واقعی شهروندان بوده و هست. و از هر ملی گرایی ایرانی نیز بیشتر قربانی داده در مبارزه علیه استبداد و این رژیم در راستای دفاع از منافع شهروندان و آزادیهای آنها!، حال چرا نباید چنین جنبش و مبارزه و اهدافی شانس به قدرت رسیدن داشته باشد؟ اما شما داشته باشید؟!، امثال خمینی داشته باشد؟!

ادامه



حقیقت این است هر دو مسیر ملی گرایانه یا مذهبی دیر یا زود حتی قدرت را هم بگیرند از نو به جامعه خون می پاشند، از نو این روند نیاز نظام سرمایه داری حاکم بر ایران است، که حامیان در قالب این گروهها و "الترناتیو" در مقابل اکثریت جامعه باید به ایستند و از بقا و منافع نظام سرمایه داری کشور باید حمایت و حراست کنند.

صدیق کریمی: ببخشید بحث شما جالب بود قطع نکردم، اما باید جواب مشخص پرسش را از شما بگیرم. من با حمید تقوایی یا مجاهد و سلطنت طلبان بحث داشته ام، هر کدام می گویند من با این و آن نمی نشینم و دیالوک نمیکنم، این همان اعدام مخالفین سیاسی است. شما چه می گویند، چه مرزی دارید؟ با کدام اپوزسیون حاضر نیستید گفتگو کنید؟

سلام زیجی: نقد و بیان واقعیت فوق به معنی پایان دادن به دیالوک و بحث با اپوزسیون نیست. مشکل اتفاقاً آن اپوزسیون است که وقتی مخالفشان هستی و نقدشان میکنی شما را طرد و سانسور میکنند. اما ما بدون توقف نقد و افشاگری و بیان حقیقتها با هر نیروی اپوزسیونی و با هریری هر حزب دیگری حاضر هستیم بنشینیم و در انظار عمومی تفاوتهايمان را بیان کنیم و گفتگو داشته باشیم. ما فقط با جمهوری اسلامی و عناصری که روشن شده جنایتکار بوده، مردم را کشته و سرکوب کرده است، حاضر به هیچ بحث و نشستی نیستیم. سیاست پایه ما در این باره این است: با جمهوری اسلامی مبارزه میکنیم و میخواهیم سرنگوش کنیم و از صحنه تاریخ محو گردد، اما با اپوزسیون سیاست بحث کردن، و سیاست دیالوک و نقد و افشاگری داریم. شما هر کسی بیاورید در این چهار چوب من حاضر بشینم باش جدل و بحث کنم. بگذار جامعه متمدن و آگاه قضاوتمان بکند.

صدیق کریمی: بسیار خوب من جوابم را گرفتم ممنون.

"کمونیسم ذهنی گرایی نیست!

یک جنبش قدرتمند ضد سرمایه داری است!"

سلام زیجی: با اجازه چند نکته در باره ادعای "ذهنی بودن" کمونیسم که از جانب خانم جیلانی مطرح شد عرض کنم. اگر شما حتی مباحث و مطالبه و حرفهای کارگری و سوسیالیستی تا کنونی این دو گفتگوی من را با خودتان، که بیشترش را هم تأیید کردید، ذهنی گرایانه بدانید، گویایی قضاوت و پیشداوریهای نادرست و ذهنی گرایانه خودتان را از کمونیسم نشان میدید. نخیر! کمونیسم و سوسیالیسم نه تنها ذهنی نیستند بلکه آرزو و امیال و مطالبه دهها میلیون انسان را در همین ایران نمایندگی میکند. یک جنبش واقعی ضد سرمایه داری است. ایشان همچنین گفتند "کمونیسم با ذات انسان سازگاری ندارد". این ادعا یکصد و

سرنگونی که به پیروزی ...



در عین حال حتی در سطح "آرزو کردن" هم باشد، مادام که مثبت است، چه اشکالی دارد؟ چرا اسمش را ذهنگرایی کمونیست‌ها می‌نامید؟ یکی آرزوی تداوم جنایت و آدمکشی و ترور و شکنجه و استثمار و برتری طلبی نژادی و مذهبی و ملی میکند، ما هم "آرزوی" نماندن همه اینها و نظام و سیستمی که چنین مناسبات و فرهنگ ارتجاعی را در خود پرورش و باز تولید میکند. حال کدامیک از این دو آرزو را جلو مردم باید گذاشت برای انتخاب کردنش؟ کدامیک انسانی و کدامیک ارتجاعی و ضد انسانی است؟

کدام قانون؟

شما در باره قانون سخن می‌گوئید، و گویا عدالت را از این مجرا میتوان به سر انجام رساند. من چنین فکر نمی‌کنم. قانون را مگر چه کسانی تدوین میکنند. قانون کار ضد کارگری و دیگر قوانین اسلامی جمهوری و قبل از او هم، و همه قوانین دنیای امروز چه کسانی تدوین و اعمال میکنند غیر از دولتها و طبقه حاکمه برای به انقیاد کشاندن جامعه و طبقه کارگر؟ در عین حال کدام قانون را به رای مردم گذاشته اند تا ادعا کنند این "قانون مردم" برای تضمین "عدالت" است؟ ما هیچ ارزشی برای قوانین که دولتها و نیروهای طرفدار سرمایه داری و مذهبی و ملی گرایان تدوین میکنند قائل نیستیم. قانون واقعی را باید از طریق شوراهایی واقعی جامعه طبقه کارگر و جنبشی که قدرت دولتی خود را بدست آورده است تدوین و اعمال شود، اینجا هم طبعاً این قوانین باب طبع سرمایه داران و جریانات خرافه پرست مذهبی و قومی نخواهد بود چون بر اساس برابری انسانها و حقوق برابر شهروندی تهیه و اعمال میشود.

"نظام شایسته سالاری"

در پاسخ به "آلترناتیو" "نظام شایسته سالاری" که خانم جیلانی گفتند، باید عرض کنم در جامعه ای که انسانها در هیچ زمینه ای برابر نیستند، از امکانات برابر برخوردار نیستند، جامعه ای که بر اساس استثمار و استبداد اداره میشود "شایسته سالاری" معنی ندارد! من ادعا میکنم ۹۹ درصد "شایسته" های که امروز در حاکمیت هستند، ناشایسته ترین انسانهای جامعه هستند، ۹۹ درصدی که کارمند مجلسی و دولتی و حتی پزشک و مهندس میشوند بر اساس تبعیض و رشوه و پارتی بازی و برخورداری از امکانات اقتصادی بیشتر و غیره به اینجا رسیده اند. از اینرو من برای آن ناشایسته های که در مجلس جمهوری اسلامی و در جاهای مشابه به مقام "شایسته" رسیده اند نه تنها ارزشی قائل نیستم بلکه فکر میکنم احمق ترین، خرافی ترین، بی عقل ترین، بیشرف ترین و بیشعورترین قشر ایرانی اند که در چنین سیستمی جای می‌گیرند و مقام "شایسته سالاری" را نسیب خود میکنند. معلوم است من که کار برق بلد نیستم نیروم با سیمهای برق بازی کنم اما باید امکانات تحصیلی رایگان و

امکان اقتصادی برابر و آزادی عمل یکسان برای همه تامین کنیم آنوقت بنظر من همه شاخصهای "شایسته سالاری" بورژوازی از بیخ عوض خواهد شد و انسانها رشد و خلاقیتهای طبیعی خود را خواهند کرد...

(دوباره خانم جیلانی بحث "کمونیست" چین و کره و ... را پیش کشید و به این نتیجه رسیدند که در ایران "شانسی برای کمونیستها نیست" و "حداکثر اجازه تشکیل سازمان و حزب" به آنها داده میشود!!!)

سلام زیجی: ببینید با این خشم و سانسورسازی علیه ما سوسیالیستها و داشتن نظریه "حداکثر اجازه تشکیل حزب..." به ماها داده میشود، نه تنها نمیتوان "عدالت خواه" بود که مینای استبداد و سرکوب نظام آتی را به این شکل تئوریزه میکنید. در ضمن لطفا بحثهای نامربوط و قرنهای پیش را رها کنید! به امروز برگردید، پاسخ این نکات تحریف شده داده شد، سوال این است شماها که مخالف کمونیسم و سوسیالیسم هستید، چرا مردم را شایسته شاه آوردن، شایسته اسلام را آوردن و شایسته "رئیس جمهور" مریم رجوی آوردن، یا بخشی شایسته طرفداری از فدرالیسم و جنگ و خون و خرافه گری آوردن می‌دانید، اما این "مردم" شایسته دفاع از یک نظام آزاد و برابر و انسانی را نمی‌دانید؟ در حالی انتخابات واقعی و آزادی و احترام به حقوق و رای شهروند تنها از مسیر یک نظام شورائی و سوسیالیستی تامین میگردد. با این وجود اگر فردا نظام مورد نظر "سوسیال دمکراسی" مورد ادعای شما (هر چند چیزی که شما در باره فرانسه گفتید سوسیال دمکراسی هم نیست) رای داد، یا دوباره مردم رعیت شدند و به بوسیدن دست شاه و غیره تن دادن، ما ضمن اینکه مخالف هستیم و تلاش میکنیم چنین اتفاقی نه افتد، در هر صورت نه لشکر کشی میکنیم و نه کسی را به زندان می‌اندازیم اما سیستم شما همیشه این کارها را کرده است... (دوباره آقای حسین نامدار میاید وسط حرفها ".... کمونیستها در ایران خیانت کردند، حزب توده که در ارتش هم شبکه کمونیستی داشت به خمینی کمک کردن و....") .

سلام زیجی: آقای نامدار! آن کمونیسهای غیر کمونیست حزب توده همان اندازه برای من ارزش و اعتبار داشتند و دارند که ارتش شاهنشاهی شما که قرار بود از "تمامیت ارضی کشور" در مقابل خارجی ها دفاع کند، دیدید اتفاقاً با کمک خارجی ها و ژنرال ارسال شده امریکائی کل ارتش نه تنها رفت در کنار خمینی قرار گرفت و به استقرار جمهوری کثیف اسلامی کمک کرد، که وحشیانه هزارها انسان را کشت و جنایت آفرید و ما انقلابیون را به خون کشید. پس لطفا کم به اتهامات ناچسب به ما کمونیستها روی بیاورید. بحث این است که باید سیاستی را تقویت کرد که جامعه به آرامش و آزادی برسد، که به یک شخص امید نبندد، به دولتهای خارجی امید نبندد، بار دیگر به جنبشهای ملی گرایان و مذهبی تن در نهد، به جنبش و مبارزه آزادیخواهانه از جمله به پیروزی جنبش کارگری و سوسیالیستی کمک کنند، چرا که بدون چنین پیروزی از آینده آزاد و برابر و مرفه و خوشبخت خبری نخواهد بود....

ادامه ←

سرنگونی که به پیروزی جنبش آزادیخواهی، کارگری و سوسیالیسم منجر نگردد، به درد ما نمی‌خورد!

سرنگونی که به پیروزی ...

انقلاب کردن خشونت نیست!

صدیق کریمی: وقت تمام شد، حرف آخر تریبون آزاد برای شما سلام زیجی است، بفرمائید.

سلام زیجی: این حرفهای آخر که طرح شد در باره جایگاه جنبش سوسیالیستی و کمونیستی بطور ناقص و در این اواخر دوستان مطرح کردند و فرصت کافی نبود تا پاسخ جامعتری بگیرند. در هر صورت واقعیت تحولات آتی بعد از جمهوری اسلامی باید به نظام سیاسی و حکومتی معینی منجر گردد. یا باید به استقرار یک نظام کارگری، سوسیالیستی و شورائی منجر گردد یا دوباره برگشت به نظام پادشاهی، جمهوری خواهی و یا فدرالیسم قومی و مذهبی در جنبش طبقه بورژواها. و تردید نباید کرد که بجز آلترناتیو اولی بنظر من بقیه یکبار دیگر آینده جامعه ایران را به سیاهی میکشانند. از اینرو بدوا باید روشن باشد برای چه آینده ای مبارزه میکنیم تا معلوم گردد چه کسانی میتوانند در کنار همدیگر قرار بگیرند و یا برای همکاری با هم توافقاتی بکنند.

ما میدانیم که تحولات پیچیده و سختی پیش رو داریم که مستلزم اتحاد و آمادگی سیاسی و عملی در داخل کشور حول سیاست آزادیخواهانه و سوسیالیستی است. ما طرفدار انقلاب اجتماعی، آزادیخواهانه، و سازمانیافته

کارگری برای زیرورو کردن کل بساط رژیم اسلامی و سرمایه داری هستیم، بر عکس ادعایی که شد گویا انقلاب یعنی خشونت و خونریزی، انقلاب هدفمند و روشن زیر هژمونی و پرچم سوسیالیستی با کمترین هزینه میتواند پیروزی را کسب کند. انقلابی که متکی به اعتراض و اعتصاب کارگری است، انقلابی که به اعتراض مردم زحمتکش و رنجدیده، و انقلابی که برای شکست یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به سازماندهی نیروهای مسلح و غیر مسلح توده ای و ملیتانت متکی باشد و با تامین رهبری لایقی، بی تردید قادر به پایان دادن تاریخ و حاکمیت طولانی مدت نظامهای جنایتکار و مستبد و استثمارگر در ایران خواهد بود. ما به این آینده و تلاش تعلق داریم. با تشکر از همه شما و خسته نباشید!

(با تشکر از کامران م که زحمت پیاده کردن آن دو گفتگو را کشیدند. در اینجا تلخیصی از مباحث سلام زیجی و پاسخ به پرسشهای او پیاده شده است. در موارد جزئی به منظور رساندن بحث نکاتی از نظر مضمونی ادیت و اضافه شده و بخشی از آن گفتگو، به ویژه بخش آخر آن، به دلیل ورود مکرر دو شرکت کننده دیگر به بحثهای سلام زیجی و طولانی شدن بحثها، و یا بعضا به دلیل نامفهوم بودن صدا بطور کامل پیاده نشده است. برای شنیدن همه بحث و جدال صورت گرفته میتوان به دو لینک صدا و تصویر زیر، که در شبکه های اجتماعی نیز قابل دسترس شده است، رجوع شود.)

(۱)

۲۰۲۰-۷-۲

<https://www.facebook.com/110206567349692/videos/561762041399035/>

(۲)

۲۰۲۰-۷-۹

<https://www.facebook.com/110206567349692/videos/303421071031888>

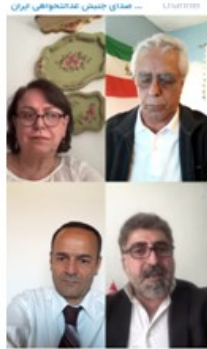
تفاوتهای راه حلهای سوسیالیستی و بورژوائی از نگاه فعالین این دو جنبش متضاد

سلام زیجی: بدون پیروزی کارگر و سوسیالیسم پیروزی در ایران معنی ندارد!



بحث اول: شرکت سلام زیجی و چند فعال سیاسی دیگر (عطا صمدی، بهیه جیلانی، حسین نامدار، و صدیق کریمی) در یک بحث آزاد و اظهار نظر در باره: جمهوری اسلامی، سرنگونی، اپوزسیون، سیاست و راه حل سوسیالیستی، و پاسخ به چند پرسش مهم (تاریخ ۷-۲-۲۰۲۰)
<https://www.facebook.com/110206567349692/videos/561762041399035>

سلام زیجی: سوسیالیسم و کمونیسم تراوشات ذهنی ما نیست!



آرزو، امیال و هدف اکثریت طبقه کارگر و انسانهای آزاده است!
بحث دوم: شرکت مجدد سلام زیجی در برنامه دوم مناظره و اظهار نظر در باره، باز هم اتحاد احزاب، "فروش آب و خاک ایران از جانب جمهوری اسلامی به چین و روسیه"، سرنگونی رژیم، عدم پذیرش دو نظام شاهنشاهی و اسلامی، غیر ممکن بودن جنبش همگانی و هم با هم، اینکه تکرار اشتباهات سال ۵۷ برای کارگر و کمونیسم سم است، و در پایان چند موضوع جدل و تقابل سیاسی مهم بین سلام زیجی با بهیه جیلانی و حسین نامدار (تاریخ ۷-۹-۲۰۲۰)

<https://www.facebook.com/110206567349692/videos/303421071031888>

دو لینک بالا مربوط به دو بحث زنده طی هفته گذشته در شبکه اجتماعی فیس بوک و تلگرام با مدیریت دست اندرکاران کانال "جنبش عدالت خواهی ایران" صورت گرفته است. رفیق سلام زیجی، دبیر شورائی رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران، برای این دو بحث از جانب گردانندگان آن شبکه دعوت شده بود و خطوط کلی و روشن یک سیاست و استراتژی کارگری سوسیالیستی را در آن دو بحث توضیح و تشریح کرده اند. در هر دو میبحث مسائل بسیار اساسی و در عین حال متفاوتی در باره آینده سیاسی ایران مورد بحث و جدل قرار گرفته اند. همه علاقمندان به سرنوشت جامعه و آینده مبارزه آزادیخواهانه در ایران را به این مباحث مهم و انتخاب سیاست و راه حلهای خود جلب میکنیم.

دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iran-socialist2017@gmail.com

۲۱ تیر ۱۳۹۹ ----- ۱۱ جولای ۲۰۲۰

همه زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان بدون قید و شرط باید آزاد شوند!

۳۵ روز از دور جدید اعتصاب کارگران هفت تپه گذشت اتحاد، همبستگی و تشکل مستقل طبقاتی کماکان رمز پیروزی است

دور جدید اعتصاب و اعتراضات کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه علیه خصوصی سازی و بلاتکلیفی معیشتی و شغلی، و برای پرداخت فوری حقوق های معوقه و بازگشت به کار فوری کارگران اخراج شده و در کل علیه گروگان گیری کارگران و خانواده هایشان از طرف کارفرمایان با دادن وعده و وعیدها و وقت کشی مسئولان شهرستان، استان و کشور وارد ۳۵ مین روز خود شده است. کارگران با تظاهرات و تجمع هر روزه در مقابل فرمانداری شوش خواهان پاسخگویی به مطالبات به حق خود هستند و تا کنون نشان داده اند که سیاست های سرکوب گرانه جمهوری اسلامی خللی بر عزم آنان وارد نمی کند.

رژیم اسلامی طبق معمول در مواجهه با خواست کارگران به روش همیشگی خود، یعنی دستگیری، بازداشت و زندانی کردن کارگران متوسل شده است. روز سه شنبه ۲۴ تیر حوالی ساعت ۱۱ صبح چهار نفر از فعالین کارگری هفت تپه، یوسف بهمنی، محمد خنیفر، مسلم چشمه خاور و ابراهیم عباسی توسط پلیس اطلاعات و امنیت شوش دستگیر و بازداشت شدند. اگر چه رژیم تحت فشار کارگران معترض، مجبور شد که با قید وثیقه این فعالین کارگری را آزاد کند، اما نفس دستگیری آنها پته ادعای دستگاه قضایی رژیم در مبارزه با فساد و کارگر پناهی، همانند مورد صدور احکام شلاق و زندان برای کارگران آذر آب، حتی برای آنانی که به این دروغ دل خوش کرده بودند، به روی آب انداخت. ابراهیم رئیسی در اردیبهشت امسال در دیدار با تعدادی از کارگران، اعلام کرده بود که: بعضی از خصوصی سازی ها درست نبوده، ارز دولتی گرفتند و آن را در بازار فروختند. هدف او از آن دیدار که به دعوت خود قوه قضاییه برگزار شده بود، این بود که در رقابت بین باند های حکومتی، برای رسیدن به اهداف جناحی و شخصی خود، قوه قضاییه که سرپایش را فساد گرفته و نماد جنایت، اعدام، زندان و شکنجه است را پرچم دار مبارزه با فساد و حامی کارگران و محرومان معرفی کند. اکنون دادگاه بعضی از آن اختلاس گران در حالی جریان دارد که متهم اصلی آن یعنی امید اسد بیگی همچنان آزاد است، اما در عوض ارگان های سرکوب رژیم، فعالین کارگری را با هدف زهر چشم گرفتن از پنج هزار کارگر هفت تپه دستگیر می کنند .

تا آنجا که به موضوع حرف حساب و منطق مربوط است، بر کسی پوشیده نیست که در طول تمام این سالها حق با کارگران هفت تپه بوده است. آنها در دهها اعتصاب و اعتراض اعلام کرده اند که وضعیت در هفت تپه بعد از خصوصی سازی شرکت، از پیش هم بدتر شده است، گفتند کارفرمای خصوصی به پشتوانه مالکیت هفت تپه مشغول باند بازی و رشوه دهی و دریافت تسهیلات بانکی و ارزی با هدف اختلاس است. فریاد زدند که کارفرمای خصوصی، ابتدایی ترین توافق کاری در هر جای جهان، یعنی پرداخت به موقع دستمزد را زیر پا می گذارد و چند ماه به چند ماه دستمزد کارگران را پرداخت نمی کند. گفتند امنیت شغلی و آینده آنها و خانواده شان در خطر جدی قرار دارد. در تمام این سالها کل حکومت از دستگاه اجرایی و قضایی گرفته تا نیروی انتظامی و پلیس و یگان ویژه و مقامات ریز و درشت استانی بطور یک پارچه و متحد در برابر کارگران ایستادند. به تظاهرات کارگران یورش بردند، کارگران را مورد ضرب شتم قرار دادند، شبانه به خانه کارگران هجوم آوردند، بازداشت شان کردند و سپس برایشان پرونده امنیتی تراشیدند و به زندان محکوم شان کردند. کارگران را وحشیانه شکنجه کردند و از اقرارهای زیر شکنجه، برنامه " طراحی سوخته" تهیه کردند و بی شرمانه در تلویزیون سراسری به نمایش گذاشتند.

حکم سرکوب برای هفت تپه را کلیت رژیم صادر کرده بود. مجریان، ارگان های مستقیم سرکوب و رسانه های حکومتی بودند. مجرمان نیز کارگران هفت تپه بودند، و جرم شان نیز مشخص بود: آنها با صدای بلند، نان و آزادی طلب کرده بودند و خواهان اداره شورایی شرکت شده بودند.

"فاتحان" بی شرم و بی شرف آن نبردهای نابرابر اما می دانستند که در وجدان عمومی جامعه، نبرد را به کارگران باخته اند، و از آن مهم تر، می دانستند که جنگ به پایان نرسیده است و کارگران هفت تپه برای رسیدن به کار و آزادی و یا حتی برای بقا، راهی جز مبارزه و اعتصاب و اعتراض نخواهند داشت. لغو احکام فعالین کارگری هفت تپه و نمایش های مبارزه با فساد توسط قوه قضاییه، بطور همزمان هم حاکی از عقب نشینی حداقل بخشی از رژیم در برابر کارگران هفت تپه بود و هم حاکی از تلاش رژیم برای خرید زمان برای تعیین تکلیف با هفت تپه در فرصت دیگر و به شیوه دیگر بود. دادگاه مالکان خصوصی هفت تپه نیز بر سر تعیین همین "شیوه دیگر" بر پا شده است. بی شک اگر باندهای مافیایی که پشت سر اسد بیگی ایستاده اند و خود اسدبیگی مهره ای کوچک از آنان است پر زور نبودند او تا هم اکنون اگر سرش بالای دار نرفته بود، حداقل مالکیت شرکت را از دست داده بود و خود را در زندان می یافت. اینکه حتی دادگاه دستور نداده که دستمزد کارگران از حساب شرکت پرداخت شود، به دلیل "خلاقانونی" نیست؛ بلکه برآیند جدال باندهای قدرت است. در هیچ جای جهان کارفرمای خصوصی که به اتهام اختلاس محاکمه می شود، نمی تواند همزمان دستمزد کارگران را به گروگان بگیرد، بلکه بر عکس عدم پرداخت دستمزد، یا به بیان بهتر "سرقت دستمزد"، جرم دیگری محسوب می شود و پرونده را سنگین تر می کند.

اعتصاب کنونی کارگران هفت تپه این معادله بین باندها و جناح های حکومتی بر سر آینده هفت تپه را به هم زده است. بی شک هر یک از جناح ها و باندها سعی خواهند کرد که از اعتصاب کارگران در جهت اهداف خود سواستفاده کنند. اما همه آنان در یک چیز اشتراک نظر دارند و آن اینکه اعتصاب و مبارزه متحدانه کارگران، به زیان منافع آنان و نظام آنهاست. از منظر منافع رژیم سرمایه داری و ضد کارگر جمهوری اسلامی، اعتصاب باید به هر وسیله ممکن مهار و یا سرکوب شود. دستگیری چهار تن از فعالین کارگری یکی از گامهای رژیم در راستای این سیاست بود که کماکان ادامه دارد .

اما رژیم علاوه بر توسل به سرکوب مستقیم سعی دارد که به شیوه های مختلف در میان کارگران اعتصابی تفرقه ایجاد کند و اعتصاب را با ایجاد چند دستگی در میان کارگران و فرسوده کردن انرژی آنان به شکست بکشاند. درست یک هفته قبل از بازداشت کارگران در ۱۷ تیر ۱۳۹۹ حاتم شاکرمی معاون روابط کار و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در نشست بررسی "مشکلات کارگری" در هفت تپه با اشاره به

حضور پر شور کارگران همراه با خشم کارگر زندانی آزاد باید گردد!
چهارشنبه ۲۵ تیر ماه ۱۳۹۹. شهر شوش. کارگران نیشکر هفت تپه... Visa mer

۳۵ روز از دور جدید ...

تعهدات کارفرما مبنی بر پرداخت حقوق و مزایای فروردین ماه گفت: "کارگران باید به کار خود بازگشته و ضمن انجام فعالیت‌های مربوطه از هر گونه تجمع، اعتصاب و ترک کار خودداری کنند. شورای اسلامی کار نیز باید همکاری‌ها لازم را با مدیریت این مجموعه برای ادامه فعالیت و حضور کارگران در واحد را داشته باشد." در حقیقت در این جلسه حاتم شاکری و محمدباقر الفت معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه در همراهی با اسد بیگی به دروغ عدم پرداخت دستمزدها را تنها مربوط به فروردین ماه اعلام کردند. سپس با در نظر گرفتن بسته پانصد هزار تومانی تنها برای ۲۸۵۵ نفر از کارگران و تهدید کل کارگران نسبت به پیامد "قانون شکنی" تلاش کردند که اختلاف در میان کارگران را دامن زنند و از این طریق به قول خودشان تکلیف کارگران هفت تپه را یکسره کنند.



سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

سی و چهارمین روز اعتصاب کارگران هفت تپه در مقابل فرمانداری شهر شوش.
شنبه ۲۸/تیرماه/۹۹
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
#بان_کار_آزادی_...
#شادی_رقاه_آبادی_...
#نابود_باد_استثمار_و_کار_مزدی_...

کارگران هفت تپه از این امتیاز بر خوردارند که تجربه دهها اعتصاب و اعتراض در سالهای گذشته و نیز تجربه ایجاد تشکل مستقل کارگری را دارند. اکنون بیش از هر زمانی لازم است که این تجارب به طور همه جانبه به کار گرفته شود. کارگران هفت تپه تا هم اکنون از این تجارب به خوبی بهره گرفته اند: مطالبات خود را بطور شفاف مشخص کرده اند. آشکارا اعلام کرده اند که شورای اسلامی کار که می کوشد منافع کارگران را در مصالحه و معامله با مقامات حکومتی قربانی کند را نماینده خود نمی دانند. اعتصاب را از محل شرکت به شهر کشانده اند و اخبار اعتصاب و اعتراضات را بطور روزانه انعکاس داده اند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه



اینها همه نقاط قوت این اعتصاب است. آنچه که اکنون بسیار مهم است، حفظ و تداوم اتحاد و همبستگی در میان کارگران و خنثی کردن توطئه های تفرقه انگیز است. در عین حال، تلاش برای تشکل یابی مستقل به ویژه با به میدان آمدن نسل جدیدی از فعالان کارگری باید از سر گرفته شود. در کنار همه اینها لازم است که کارگران، اعضای خانواده خود و مردم شهر را به حمایت از اعتصاب، تشویق و ترغیب کنند و همزمان در کسب حمایت های کارگران مناطق دیگر بطور فعال کوشش نمایند. همه شواهد حاکی است که اعتصاب کنونی از اهمیت بسیار زیادی بر خوردار است، به طوری که نتیجه آن می تواند آینده هفت تپه را رگم زند؛ بنابراین با تمام نیرو باید برای موفقیت آن مبارزه کرد.

مسئولین!! چه جوابی به مطالبات این زحمت کشان می‌توانند داشته باشند؟ سه تا چهار ماه است که دستمزد کارگران نیشکر هفت تپه پرداخت نشده است.

امروز سی و پنج روز است که کارگران نیشکر هفت تپه در اعتصاب هستند اما جوابی به جز بازداشت تعدادی از همکاران توسط مامورین (که می گویند مأموریم و معذور!!) نشنیده اند!

یکشنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۹

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه 523 10:33

کارگر ایران است. پیروزی کارگران هفت تپه پیروزی برای همه کارگران و شکست آن، شکست طبقه کارگر در یک مبارزه است. بنابراین وظیفه همه کارگران و تشکلهای کارگری است که از اعتصاب کارگران هفت تپه حمایت کنند. اتحاد بین المللی بار دیگر همبستگی خود را با اعتصاب کارگران هفت تپه اعلام می کند و مانند سالهای گذشته در جهت تقویت این مبارزات و دستیابی کارگران هفت تپه به مطالبات برحقشان با تمام توان تلاش خواهد کرد. هرگونه انیت و آزار و بازداشت کارگران هفت تپه و دیگر کارگران کشور باید فوری متوقف گردد. ما از تشکل های کارگری در جهان می خواهیم که کارگران هفت تپه را در این مبارزه تنها نگذارند و به هر شکل ممکن از آنان و مطالبات به حق شان حمایت کنند.

info@workers-iran.org;
www.workers-iran.org;
https://twitter.com/IASWInfo

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران
۱۹ ژوئیه ۲۰۲۰
http://etehadbinalmelali.com/ak

فراخوان علیه
پدیده شنیع اعدام

کارگران، زنان،
جوانان، مردم
آزادخواه!



سلام زیجی

توقف ماشین کشتار و
اعدام این حکومت
جنایتکار وظیفه ما است.
مقابله با آن، اعتراض
متحدانه علیه آن، ویران
کردن چوبه های دار بر
سربرگزار کنندگان آن،

تف کردن به روی تماشاچیان الله اکبر گوی صحنه های اعدام،
بخش تفکیک ناپذیری از مبارزه انسانی، سیاسی و آزادیخواهانه
علیه کلیت این نظام فاشیستی است که از روز اول با کشتار دهها
هزار نفری زندانیان و مخالفین خود سر کار آمده است.

مجازات اعدام، با هر بهانه و دلیلی باشد جنایتکارانه است و باید
محکوم شود و متوقف گردد. مخالفین اعدام، اگر مخالفین راستین
اعدام هستند، نباید بر حسب "ملیت" و "نژاد" و "جنسیت" و
غیره به محکومین به اعدام بزنند. اعدام انسان جنایتکارانه است!
هیچ ربطی به "رنگ" و "ملیت" ندارد، منتسب کردن زندانیان
سیاسی و محکومین به اعدام به "کرد" و "فارس" و "بلوچ" و "ترک"
و "عرب" اشتباه محض است. کسی که این اسامی و بر حسب
ها را برجسته و علم میکند به اندازه نفس اعدام کردن
انسانها مخرب و ضد انسانی عمل کرده است. این روایت به
جنبش علیه اعدام آسیب میرساند و در راستای کمک به تداوم
اعدام بخشی از محکومین به اعدام، و سکوت در مقابل بخش
دیگری میباشد. در چنین حالتی امکان اعتراض کل مردم ایران به
این پدیده وحشیانه را تضعیف و حتی منقفی میکنیم.
اعدام ابزار طبقه حاکمه برای مرعوب کردن شهر وندان است.
همه طبقات ظالم و متکی به نظم سرمایه داری و ایدئولوژی
ناسیونالیستی و فاشیستی و مذهبی در جامعه به اعدام بطور کلی
و اعدام و سرکوب مخالفین خود بطور اخص نیاز دارند. مخالفت
با اعدام امر مردم و طبقه و جنبشی است که آرمانش برابری
انسانها و هدفش طرد کردن و منزوی کردن موافقین و عاملین آن
و پایان دادن به نابرابری و سرکوب و استثمار است. مقابله با
اعدام و پایان دادن به آن امر مهم این جنبشها و انسانهای
آزادخواه و بشمارای است که میتوانند متحدانه علیه آن به میدان
بیایند.

زنده باد آزادی، زنده باد برابری، زنده باد سوسیالیسم!
نه به اعدام! نه به جمهوری اسلامی!

روزهای یکم و پانزدهم
شمسی هر ماه
نشریه "سوسیالیسم
امروز" منتشر میشود.
آخرین زمان برای ارسال
مطالب برای نشریه ۲۴
ساعت قبل از تاریخهای
انتشار است.

[موازین انتشار](#)
[مقالات در نشریه](#)
[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و
ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر
میشوند که تنها برای این
نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با
نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در
نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت
۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفا
به این آدرس ایمیل بفرستید:

iransocialist2017@gmail.com

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب
کمک های مالی خود را برای
ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما
انسانهای مبارز و دلسوز
مستقیماً به پیشرفت ما در
جهت گسترش مبارزه خود
برای آزادی و برابری و تداوم
مبارزه همه جانبه تر خود به
منظور سرنگونی جمهوری
جنایتکار اسلامی کمک فوری
خواهد کرد.

نه شاد نه شیخ. نه
قومی نه مذهبی. نه
ملی اسلامی ها. نه
فدرالیست چی ها. نه
اسلام مجاهدینی. نه
سیستم رعیت پروری
پادشاهی.
مرگ بر جمهوری
اسلامی! زنده باد
سوسیالیسم! زنده باد
آزادی، برابری،
حکومت کارگری!

ما فقط برای یک
پیروزی سوسیالیستی
مبارزه میکنیم!

بدون پیروزی سوسیالیسم
هیچ اعتراض و
"انقلابی" به نفع طبقه
کارگر و اکثریت جامعه
تمام نخواهد شد!

سلام زیجی

S_ziji@yahoo.se



اخراج و بیکار سازی موقوف!